

پاسخنامه مدارس شهرستان

| | | | |
|-------|---------|----------|---------|
| نحو ۴ | موضوع : | ۳ | پایه : |
| ۸ | ساعت : | ۹۱/۰۶/۰۶ | تاریخ : |

نام کتاب: مغنی الأديب، از اول باب اول تا حرف لو

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. بنا بر نظر جمهور، در آیه شریفه «إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ لَيْسَ لَوْقَعَتِهَا كَاذِبَةٌ خَافِضَةً رَافِعَةً إِذَا رَجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا»، «إِذَا» ی دوم ... است. ب ۲۳

أ. خبر ب. بدل د. مفعول فيه برای «وقعت» ج. ظرف برای «رَجَّتْ»

۲. «بله» در عبارت «بَلَةُ الزَّيْدَيْنِ»، ... د ۸۹

أ. فقط مصدریه است ب. فقط اسم فعل است ج. اسم به معنی «کیف» است د. می‌تواند مصدریه یا اسم فعل باشد

۳. در آیه شریفه «وَحَفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرَدٍ لَا يَسْمَعُونَ» عبارت «لَا يَسْمَعُونَ» ... است. ب ۱۶۰

أ. حال از «كُلِّ شَيْطَانٍ» ب. استینافیه ج. صفت برای «كُلِّ شَيْطَانٍ» د. صله برای «الَّذِينَ» محذوف

۴. لام در «الْوَيْلُ لِلظَّالِمِ أَهْلِ بَيْتِي» به چه معناست؟ ج ۱۷۳

أ. ملك ب. تعلیل ج. إستحقاق د. علی

سؤالات تشریحی:

۱. أ. دو وجه در همزه آیه شریفه «أَمْ مَنْ هُوَ قَائِلٌ أَنْاءَ اللَّيْلِ»، ذکر کنید. ب. کدام وجه در قرآن نظیری ندارد و نقطه قوت آن وجه چیست؟ ۱۰

أ. همزه، برای نداء باشد. - همزه، برای استفهام باشد.

ب. وجه اول، است که نظیری در قرآن ندارد. ولی دو نقطه قوت آن، این است که اولاً: بنا بر این قول، کثرت حذف لازم نمی‌آید و ثانیاً: لازم

نیست قایل به مجازیت معنای همزه شویم.

*أجاز الكوفيون نيابة «أل» عن الضمير المضاف إليه، و خرجوا على ذلك «و أمّا من خاف مقام ربّه و نهى النفس عن الهوى فإنّ الجنة هي المأوى» ... و أجاز الزمخشري نيابتها عن الظاهر و أبو شامة عن ضمير الحاضر. والمعروف من كلامهم إنّما هو التمثيل بضمير الغائب. ۳۳

۲. شاهد مثال در آیه شریفه را بنویسید. مقصود از عبارت «المعروف من كلامهم إنّما هو التمثيل بضمير الغائب» چیست؟

شاهد مثال: «أل» در «المأوى» نایب از ضمير مضاف اليه است.

در بحث نيابت «ال» آنچه در كلام نحاة معروف است و ملاحظه شده این است که فقط برای نيابت از ضمير غایب مثال زده‌اند (پس ظاهر

کلامشان این است که فقط نيابت «ال» از ضمير غایب را قبول دارند). مقصود از این کلام، رد زمخشری و ابو شامه است.

* يفصل بين «أمّا» و الفاء بواحد من أمور ستّة ... الرابع: اسم منصوب لفظاً أو محلاً بالجواب. الخامس: اسم كذلك معمول لمحذوف يفسره ما بعد الفاء، نحو «أمّا زیداً فاضربه»، و يجب تقدير العامل بعد الفاء و قبل ما دخلت عليه. ۵۰

۳. أ. برای دو قسم «اسم منصوب لفظاً أو محلاً» مثال بزنید. ب. در مثال «أمّا زیداً فاضربه»، چرا باید عامل «زیداً» بعد از «فاء» و قبل از «اضربه»

در تقدير گرفته شود؟

أ. اسم منصوب لفظی: «أمّا السائل فلا تنهر» اسم منصوب محلی: «أمّا بنعمه ربك فحدث»

ب. زیرا اگر عامل، بین اسم منصوب و امّا در تقدير گرفته شود، لازمه اش داخل شدن فعلی بر فعل دیگر است، زیرا «امّا» متضمن فعل «یکن» است.

* خرَج جماعة على «إن» النافية قوله تعالى: و لقد مكّناهم فيما إن مكّناكم فيه. و قيل: «زائدة»، و يؤيد الاوّل مكّناهم فى الأرض ما لم نُمكّنْ لكم. ۶۲

۴. أ. آية شريفة «و لقد مكّناهم ...» را بنا بر دو وجه مذکور ترجمه كنيد. ب. وجه تأييد آية شريفة «مكّناهم فى الأرض ...»، بنويسيد.

أ. إن نافية باشد: محققاً آنها را قدرت داديم در چیزی که شما را در آن چیز قدرت نداديم. إن زايده باشد: محققاً آنها را قدرت داديم در چیزی که شما را در آن چیز قدرت داديم. ب. مؤيد نافية بودن «إن» در این آیه، آیه ديگرى است که در این مقام نازل شده است، زیرا در آن آیه، به جای «إن»، «لم» گذاشته شده است، بنا بر این معلوم می شود که «إن»، نافية است.

۵. در آیه شريفة «لا جناح عليكم إن طلقتم النساء ما لم تمسوهنّ أو تفرضا لهنّ فريضة» چرا طبق نظر بعضی، «أو» عاطفه نیست، بلکه به معنی «إلا» است؟ ۷۳

زیرا اگر «تفرضا» بر «تمسوهن» عطف شود معنای آیه صحیح نمی باشد، زیرا در این صورت معنای آیه چنین است: «هیچ حقی بر شما مردان نیست اگر زنانان را طلاق دهید مادامی که با آنها مباشرت نکرده اید و یا مهری برای آنها قرار نداده اید.» در حالی که حکم فقهی طلاق در این دو مورد این گونه نیست؛ زیرا اگر مباشرت نباشد و مهریه تعیین شده باشد، مرد باید نصف مهر المسمی را بدهد و اگر مهریه تعیین نشده باشد و مباشرت باشد، مرد باید نصف مهر المثل را بدهد.

۶. دو نمونه از موارد زايده واقع شدن «باء» را با ذکر مثال بنويسيد. ۸۳

۱. فاعل؛ مانند: «كفى بالله شهيداً»
۲. مفعول به؛ مانند: «لا تلقوا بأيديكم...»
۳. مبتدا؛ مانند: «كيف يا حذاقنّ اذا نبحتها كلاب الحوآب»
۴. خبر منفي؛ مانند: «قل لست عليكم بوكيل»
۵. الحال المنفي عاملها؛ مانند: فما رجعت بخائبة ركاب...»
۶. التوكيد بالنفس والعين.

* تنفرد «رَبّ» من سائر حروف الجرّ بغلبة حذف معدّها و مضيه، و بأنّها زائدة فى الإعراب دون المعنى. ۱۱۲

۷. أ. منظور از «معدّها» و «مضيه»، چیست؟ ب. «دون المعنى» به چه نکته‌ای اشاره می کند؟

أ. منظور از «معدّها»، فعلی است که به واسطه «رَبّ» متعدی می شود و منظور از «مضيه»، ماضی بودن آن فعل است.

ب. به این نکته اشاره دارد که، «رَبّ» از جهت معنی، زاید نیست، یعنی معنای آن، همانند حروف جرّ غیر زاید، غیر تأکید است.

* أمّا الكاف الاسمية الجارة فمرادفة لمثل، و لا تقع كذلك عند سيبويه و المحقّقين إلّا فى الضرورة، و قال كثير: «يجوز فى الاختيار»، و يقع مثل هذا فى كتب المعريين كثيراً، قال الزمخشري فى «فأنفخ فيه»: أن الضمير راجع للكاف من كهينة الطير. ۱۵۱

۸. أ. با توجه به عبارت، برای «كالأسد» در «زيد كالأسد»، دو تركيب بنويسيد. ب. كلام زمخشري، شاهد بر چیست؟ چرا؟

أ. ۱. كالأسد: كاف آن در محل رفع و خبر، مضاف و «الأسد»، مضاف اليه ۲. كاف حرف جرّ و اسد مجرور - كالأسد جار و مجرور

ب. كلام زمخشري شاهد بر اسميت كاف است، زیرا زمخشري در ذيل این آیه گفته است: ضمير در «فيه» به «كاف» در «كهينة الطير» بر می گردد.

۹. عبارت «أن يتعاندا متعاطفاها» از شرایط عاطفه بودن «لا» را با ذکر مثال توضیح دهید. ۱۹۵

يکى از شرایط عاطفه بودن «لا» این است که بين معطوف و معطوف عليه آن، تضاد وجود داشته باشد، یعنی قابل صدق بر همدیگر نباشند، مانند: «جاءنى رجلٌ لا امرأةً».